

یادداشت کارگری هفته

درآستانه اول ماه مه سال ۱۴۰۰

یکشنبه های اعتراض بازنشستگان ، زحمتکشان دیروز و معترضان امروز؛ "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون!"

امیر جواهری لنگرودی



تقریباً روزی نیست که صدای زحمتکشان دیروز و معترضان امروز یعنی بازنشستگان سر فراز را در این جا و آن جای جغرافیای اعتراض ایران نشنویم . سیمای آتش زنه بازنشستگان نه فقط در بازنشستگان تأمین اجتماعی - نیروی لشکری و کشوری بلکه بازنشستگان کارگری- فرهنگی- فولادی- معدنی و بازنشستگان سخت وزیان آور متجلی است . این نیروها گاه تا امان و گاه بشکل مشخص این جا و آنجا کف خیابان را نه تنها در کلان شهر تهران و یا در سطح استان های آذربایجان - اصفهان - مشهد - شیراز - کرمانشاه - کرمان - اهواز - بلکه در کرج - قم - قزوین - اراک - یزد - رشت - ایلام - خرم آباد - بجنورد- شوش دانیال و هفت تپه - کاشمر - نیشابور- بهشهر - مازنداران - نوشهر - شوشتر- اندیمشک - زنجان - دزفول و.... به پیکاری امان خود در سرما و گرما، برف و باران به نمایش درمی آورند!

بازنشستگان دردل و متن جامعه ایران نه تنها برای وصول مطالبه خویش یعنی امر همسان سازی حقوق و بالا بردن مقرری ماهیانه خود در برابرگرانی و تورم افسارگسیخته کشور با تلاش و مبارزه گسترده ای که برای رهایی از مناسبات ضد انسانی حاکم بر خویشتن خویش می بینند، در نمایش مبارزات سربالی در برابر حاکمیت و به هیچ گرفته شدن حقوق اجتماعی و مسلم خود به ستیز می

نشینند. جدا از این، اعتراض به دستگیری وزندانی نمودن فعالین ورهبران جنبشهای مطالباتی رابه یکی ازپرچمهای اصلی اعتراضات خیابانی خود بدل نموده اند وهریکشنبه وبخشا درشهرهای مختلف روزهای دیگررا هم درخیابان اند. تحولات همین روزهای اندک ازشروع سال ۱۴۰۰ نشان میدهد که سال جاری، سال تلاش جامعه برای آزادی زندانیان سیاسی وعقیدتی در کنار مبارزه عمومی وگسترده برای دفاع ازامنیت شغلی وجسارت بخشیدن به بهبود معیشت و افزایش دستمزدها و رودرویی با حاکمیت برای مبارزه کشاندن آنها درمقابل سیاست خصوصی سازی و شرکت های پیمانکاری وسایرمطالبات خواهد بود و مجموعه این خواسته ها درشرایط سخت وسهمناک کرونایی درپطن مبارزه ومطالبات اول ماه مه امسال یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۰، چنانچه در برابر تهاجم، بازداشت و زندان حاکمان به خیابان کشیده نشوند، دهن باز می کنند و تمامی سال کارگران و زحمتکشان روستایی و شهری را به صفی واحد بدل می نماید.

بطوری که دراعتراضات اخیرویکپارچه بازنشستگان درسراسرکشور، حضورمعلمان وکارگران ودیگراقشارمزد وحقوق بگیردرکناریکدیگرنشان داد که تنها راه رهایی از شرایط سخت واسفبارکنونی فریاد دادخواهی واعتراض می باشد بطوری که ادامه اعتراضات مستمربازنشستگان تامین اجتماعی، لشکری وکشوری، کارگران وفرهنگی و دیگران دست آورده هایی حداقلی بجا گذاشته که درسالهای گذشته هیچ پیگیری ونامه نگاری چنین دست آوردی نداشته است.

چنانچه بخواهیم روند مبارزه بازنشستگان گروهبندی های مختلف اجتماعی را دنبال کنیم برخلاف تصویرساخته وپرداخته و رایج خبرگزاری های نظام و حتی رسانه های بزرگ جهانی همچون بی بی سی فارسی، خواسته اصلی بازنشستگان کارگری تنهاهمسان سازی حقوق ورفع تبعیض طبق ماده ی ۹۶ تامین اجتماعی است. صد البته خواسته ی " اجرای قانون " دارای سرشت نفی قانون زدایی تعدیل ساختاری حاکمیت است.

نگاهی به چند نکته از قدرت عمل بازنشسته ها مثلا جمعیت شرکت کنندگان و ضربآهنگ حرکت شان ازطریق کاستن فرماسیون زمانی ازپانزده روز یا ده روزیکبار به یکشنبه های اعتراض، نشان میدهد که ترس ازتجمعات خیابانی باهمگانی شدن شعار: " تنها کف خیابون / به دست میاد حقمون " فروکاهیده یعنی عنصرترس و محافظه کاری دربین بازنشستگان تقلیل پیدا کرده است.

دیگراینکه شکل اعتراض نیزتغییرپیدا کرده است. شکل اعتراض تا قبل ازسال جدید تجمع درمکان های ثابت بود. الان درمواردی به شکل راهپیمایی اعلان نشده همراه است. در تهران ازجلوی مجلس میروند تا مقابل سازمان برنامه یا ازجلوی وزارت کاردرخیابان آزادی میروند تا مقابل سازمان تامین اجتماعی حرکت می کنند. عین همین حرکت در شوش هم دیده شده است.

نوعیت حرکت هم در سطح شهرهایی تغییر کرده است . نظیر آنچه در تبریز و رشت دیده شده است . در رشت مقابل دستگیری های صورت گرفته به اعتراض در کف خیابان نشستند و مانع حرکت ون ها شدند و در تبریز به درون سازمان تامین اجتماعی رفتند و چندین ساعت آنجا را اشغال کردند و دو باره به خیابان بازگشتند . می توان گفت ؛ هر سطح تحول در شکل اعتراض محصول رادیکال شدن حرکت بازنشستگان است .

موضوع بعدی بازنگری حول شعارهای بازنشستگان است. تظاهرات ۱۵ فروردین همراه با شعارهای جدیدی بود که بیان گرخشم و نفرت بازنشسته های تامین اجتماعی و کارگری از تداوم قانون زدایی حاکمیت بود.

اینبار بازنشستگان در کنار شعارهای همیشگی شان از جمله :

تا حق خود نگیریم / از پای نمی نشینیم.

بازنشسته می میرد / ذلت نمی پذیرد.

فقط کف خیابان / به دست میاد حق مان.

این همه بی عدالتی / هرگز ندیده ملتی.

خواسته بازنشسته / حقوق طبق تورم و . . .

گرانی تورم بلای / جان مردم

در پانزدهم فروردین یعنی دوره جدی تحرکات سریالی ، به شعارهای جدید روی آوردند. شعارهایی که گویای بالا گرفتن خشم و نفرت بازنشستگان در برابر سیاسی تعدیل ساختاری و قانون گرایی و در برابر قانونزدایی عامرانه نظام طرح گردید . از جمله :

فقر و فلاکت / دزدی و غارت

حق طلبان زندانند / غارت گران آزادند

دولت ورشکسته / دشمن بازنشسته

نوبخت بیا پائین / بدبخت بیا پائین

همسان سازی کجا رفت / تو جیب زالوها رفت

ولی به همین حد بسنده نکردند و مصادیق پُر مضمون تری را برای سر ریز کردن ، مطالبات خویش در مضمون نه به انتخابات گه خود شعار های خطاری به حکیت است سر دادند از جمله :

از بس دروغ شنیدیم / دیگه رای نمی دیدم

ما دیگه رای نمی دیم / عدالتی ندیدم

بی عدالتی دیدیم/ دیگه رای نمی دیم
ما دیگه رای نمی دیم / از بس دروغ شنیدیم
مرگ بر دروغ گو.

کارگر زندانی / آزاد باید گردد.

اسماعیل گرامی / آزاد باید گردد .

ادای همین شعارهای ساده و فکرشده بازنشستگان (از بس دروغ شنیدیم / ما دیگه رای نمی دیم) که به زبان های مختلفی و در فواصل حرکت های دیگر اجتماعی و اعتراضی خیابانی شنیده است، بیان این واقعیت است که؛رهای اجتماعی محصول جمع بندی گام به گام عمل جنبش های اجتماعی واقعا موجود است نه محصول ایده های ناب مجرد مجموعه بازیگران با نقاب و بی نقاب جناح های حاکمیت که درمیان بازنشستگان مطالبه گر، عملکردشان نخ نما شده و هیچ جایی ندارند. امروز طرح شعار: " تهدید وزندان دیگه اثر ندارد" ، نمای واقعی نمایش قدرتی است که یک سوی آن بازنشستگان مستقل و دیگر سوی آن، همه سوداگران حاکمیتی ایست که بیش از چهارده برهستی و جان ،امنیت شغلی کارگران پای گذاشته اند !

در برابر پیشرفت وجوه یاد شده فوق از جانب بازنشستگان، درمقابل شکل برخورد حاکمیت هم تند تر و سرکوب گرانه تر شده است. پیشتر ما شاهد این بودیم که درتجمع سراسری ۱۷ اسفند بازنشستگان آقایان اسماعیل گرامی - اسد مفتاحی دستگیرشده و کامیارفکور روزنامه نگار که به گفته شاهدان عینی، ماموران امنیتی وی را با ضرب و شتم شدید دستگیر کرده اند، را بازداشت کرده بودند. دو نفر اولی را فردای آنروز آزاد کردند ولی کامیارفکور را بعد از ظهر ۲۷ اسفند، پس از ده روز، به قید وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. بعبارتی هر قدر پیشروی بازنشستگان را شاهدیم، فشار حاکمیت مستبدی را نیز نظاره گریم که باز در دوره اخیر فروردین ماه با حمله به منزل اسماعیل گرامی بازنشسته شناخته شده به بازداشت وی منتهی گردید و در هفته قبل نیز تهاجم به اجتماع شهر رشت و انداختن گاز فلفل به جمع معترضین را نیز شاهدیم . در تهران نیز به یکی از زنان درتجمع بزرگ حمله ور شدند و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. جدا از این در درون خود سازمان تامین اجتماعی، سیاست سرکوبگرانه حاکمیت شروع شده به آزار کارگرانی که سابقه کارگری دارند و جزء سازمانگران حرکت ها هستند، ابتداء شناسایی شده و مرتبا احضارشان می نمایند تا آنها را به دست اندازهای اداری بیندازند.

نکته بغایت مهم اعتراضات یک ماه اخیر بازنشستگان در سراسر کشور نشان می دهد، وابستگی کانون های نوکیسه به سیاست های رژیم علنی تر شده و این دامن نفوذ آنها را در نزد بازنشستگان مستقل خیلی کم کرده است. چرا که این جماعت در دفاع از سالاری- دولت - سازمان تامین اجتماعی و نوبخت دروغ پخش نمودند که همسان سازی صورت گرفته و در حقوق فروردین ماه اعمال شده و حداقل حقوق به چهار میلیون و دویست هزار تومان برای حداقل بگیرها رسیده است و میانه بگیرها به بالای هفت میلیون و بالا بگیرها به ده میلیون میرسد. تمام این حرفها دروغ بوده و موجی از انزجار را در بین بازنشستگان برانگیخته است. در این میان برای بازنشسته های تامین اجتماعی ثابت شده که این حرف ها دروغ بوده و اینها نمی خواهند پولی به بازنشسته ها بدهند. بدین ترتیب روشن شد که سازمان بازنشستگی ابزارهای حقوق بگیر سازمان تامین اجتماعی و خود فروخته اند. این جماعت در سال گذشته تلاش کردند که علیرغم میل خود به خیابان بیانید تا بتوانند حرکت های موجود خیابانی را جمع و کنترل آنها را در دست خود بگیرند تا بتوانند مهار حرکات سریالی به عهده گیرند که موفق نشدند. در سال جدید این پدیده کاملا شکست خورده است. بنابراین حرکت های سریالی بازنشستگان باعث بی اعتباری کانون های بازنشستگی و شکست آنها در مصادره نارضایتی و مهار حرکت های بازنشستگان مستقل شده و می توان با صراحت گفت: نقش گرایشات غیرحکومتی که از جناح های رژیم مستقل عمل نمایند در فراخوان های اعتراضی که بازنشستگان می دهند، بغایت برجسته شده است.

در عین حال و درست در چنین شرایطی با وجود شکاف هایی که بین جناح های مختلف بازنشستگان است، مانع این نشده است که آنها جدا از هم عمل نکنند. می توان گفت: گرایش به اتحاد در بین صفوف بازنشستگان از گذشته بیشتر شده است. این گرایش حول دو پایه یکی اجرای مطالبه ماده قانون ۹۶ تامین اجتماعی و آن دیگری حقوق برپایه تورم صورت گیرد.

ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی هم می گوید: سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیات وزیران به همان نسبت افزایش دهد. هر چند این دو محور که پایه اجماع گروههای بازنشستگان محسوب می گردد نه دقیق و نه کافی به نظر نمی رسند ولی لازم اند.

کافی نیستند بدین معنی که نرخ اعلام شده بانک مرکزی، نرخ واقعی نیستند و نکته بعدی اینکه اجرای همین ماده ۹۶ در واقع از دولت و تصویب هیات وزیران خواسته می شود. تحقق این امر در شرایط فعلی با توجه به ورشکستگی مفرط بحران اقتصادی در اساس محلی از اعراب ندارد.

درست دریغ و خم چنین اوضاع نابسامانی، ما به جانب اعتراض سراسری بازنشستگان و سردادن آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان سیاسی و طرح دیگر مطالبات آنها در یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۰ می رویم!

=====

روز شمار کارگری هفته شماره های ۳ و ۲ را از سایت

روزشمار کارگری، لینک زیر می توانید دنبال کنید!

<http://karegari.com/maghalat/2021/04/17/Roozshomar%20kargarl%202,3%20>

[AmiR.pdf](#)